

بسته سیاستی ارز و راه‌های بسته صادرات



مهدی‌الدین‌نیایرانی
عضو کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق ایران

آنچه این روزها در قالب بسته سیاستی و دیگر پیشنهادهای منوط به بازگشت ارزهای صادراتی مطرح می‌شود با عرف جامعه ایران مطابقت ندارد. تأمین ارز در کشور ما ابتدا توسط دولت از طریق فروش نفت به‌صورت سالانه با رقمی معادل ۶۰ میلیارد دلار تأمین می‌شود و در حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار در قالب صادرات شبه نفتی و غیر نفتی رخ می‌دهد و هم خانواده کردن این دو مقوله که اساساً منفک از هم هستند، همگان را دچار خطا می‌کند. از سوی دیگر ۵ تا ۵۵ میلیارد دلار صادرات واقعی محصولات کشاورزی، صنایع دستی و... در کشور داریم، اما صادرات محصولات پتروشیمی و مشتقات نفتی مانند کربن عمده صادرات کشور را تشکیل می‌دهند که توسط شرکت‌های دولتی یا خصوصی‌ها انجام می‌شود، در حالی که صادرکننده واقعی کشور بویژه در بخش کشاورزی که بخش اعظم آن ۴ میلیارد را تشکیل می‌دهد همه کمتر از یک میلیون دلار را شامل می‌شوند در حالی که ارقام میلاردی و ارزهای بازنگشته تماماً مربوط به شرکت‌های بزرگ دولتی و خصوصی است. به جرات می‌توان گفت تمام صادرکننده‌ها باوجود سختی‌هایی که در شرایط تحریمی وجود دارد، از خود را به کشور برگردانده‌اند. حال به کمک صرفاتی‌ها یا کشورهای ثالث این امر محقق شده است. آنچه در این کلیات اشاره شد تصویری از وضعیت امروز فعالیت صادرکنندگان است. اما به‌صورت ویژه در رابطه با بسته سیاستی ارزی که به تازگی اعلام شد، صادرکننده مکلف شده تا ۸۰ درصد از حاصل از صادرات خود را از طریق سامانه نیما و ۲۰ درصد را به‌صورت نقدی از طریق صرافی‌ها به کشور وارد کند. با درج این بند از بسته سیاستی پرشنسی از بانک مرکزی و دولت مطرح می‌شود که چگونه با وجود تنگناهای تحریمی و با لحاظ تمامی امکاناتی که از آن برخوردارند می‌توانند ۲۰ درصد از حاصل از فروش نفت و مشتقات نفتی خود را به‌صورت نقدی وارد کشور کنند؟ نه دولت می‌تواند اعلام کند که از چه طریقی در آمد صادرات نفت خود را وارد کشور می‌کند و نه ما می‌توانیم راه و روش خود را اعلام کنیم چون به محض اعلام عمومی آن آمریکا با اعمال تحریم‌های جدید سد راهمان می‌شود. به‌عنوان مثال صادرکننده‌ای که یک میلیون دلار صادرات داشته است چگونه می‌تواند ۲۰۰ هزار دلار را به‌صورت نقدی وارد کشور کند. قانون هیچ کشوری چنین امکانی را به فعالان اقتصادی نمی‌دهد. در اغلب کشورها که قوانین مبارزه با پولشویی حاکم است به افراد اجازه نمی‌دهد بیش از ۱۰ هزار دلار را جابه‌جا کنند. با وجود چنین شرایطی چگونه انتظاری رود صادرکننده ارز را نقدی وارد کشور کند؟

در شرایط کنونی که اروپا به سطح جهان شیوع پیدا کرده و کشور ما هم با آن درگیر شده، طبیعی است که ارزی به کشور وارد نشود چون صادرات منع شده بود اما با بازگشایی دوباره مرزها بزودی ارزهای حاصل از صادرات به کشور وارد شده و مشکلات مرتفع می‌شود. اما نمایش فعلی به راه افتاده و انتظار ثبت در سامانه نیما با فروش آن در بازار صرافی‌های کشور اصلاً کانپذیر نیست. در نهایت به نظر می‌رسد تصویب چنین بسته‌های سیاستی به مثابه سنگی است که به در بسته بر خورد می‌کند. اقدامی که پیامد آن این است که صادرکننده‌های واقعی از فرایند صادرات خارج شوند، روند مشکلات بیشتری در بازار ارز برای کشور به وجود بیاید. بدون تردید تمام مردم موافق تنبیه افرادی هستند که از صادراتی خود را به کشور بازنگردانده و از شرایط سوء استفاده گردانند اما با اطمینان می‌توان گفت اینها صادرکننده واقعی نیستند. در پایان نسبت به این بسته سیاستی باید گفت نه تنها برای صادرات و دولت کارگشا نیست بلکه منجر به کاهش صادرات شده و نرخ ارز را در کشور کاهش نمی‌دهد. دولت باید این موضوع را مد نظر داشته باشد که از ۸۰ تا ۹۰ درصد کشورهایی که به آنها صادرات داریم امکان ورود ارز به کشور به‌صورت قانونی وجود ندارد. پیشنهاد می‌شود دولت از طریق حساب‌های ریالی تمام تراکنش‌های بانکی افراد صادرکننده را کنترل کند چراکه برخی تحت نظارت بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی است. حال که کرونا بر اقتصاد کشور سایه انداخته مسئولان باید به کمک صادرات بیابند که در این شرایط تنها منبع در آمد کشور است. اعمال چنین سیاست‌هایی دستاورد دیگری چون کند شدن روند صادرات و حتی قطع صادرات را ندارد.

آغاز به کار کارگروه ساماندهی بازار ارز با حضور نمایندگان ۳ قوه

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: برآورد ما این است که با توجه به هماهنگی شکل گرفته میان قوای مقننه، مجریه و قضائیه، در روزهای آینده خبرهای خوبی درباره مدیریت بازار ارز خواهیم داشت. محمدرضا پورایرانی با اشاره به اینکه روزدوشنبه نخستین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی کشور با حضور ترکیب جدید مجلس شورای اسلامی یازدهم برگزار شد، افزود: در این جلسه مباحث نشست اخیر نمایندگان مجلس با رهبر معظم انقلاب و محورهای مهم بسته اقتصادی مردمی، مطرح و اقدامات لازم برای این منظور آغاز شد. وی اضافه کرد: بازار ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات در دستور کار مجلس بویژه کمیسیون اقتصادی مجلس است و صبح روز دوشنبه جلسه مفصلی با حضور رئیس کل بانک مرکزی، وزرای جهاد کشاورزی، نفت و صمت داشتیم که جمع‌بندی بسیار خوبی انجام شد.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان اینکه «تلاش کردیم هماهنگی‌های لازم برای مدیریت بازار انجام شود»، گفت: برگزاری مستمر شورای عالی هماهنگی با حضور سران قوا و اعضا انجام خواهد شد. وی افزود: پیشنهادهایی در بخش ساماندهی و مدیریت بازار ارز و نحوه تسویه حساب ارزی صادرکنندگان و تعیین تکلیف ثبت سفارش‌ها و چگونگی دسترسی به منابع ارزی خارج از کشور مطرح شد و مجموعه‌ای از اقدامات لازم برای بهبود عملکرد بازار و کاهش التهابات ارزی در دستور کار قرار گرفت. پورایرانی اظهار کرد: قرار است کارگروه مشترکی با حضور نمایندگان قوای مقننه، قضائیه و با محوریت دولت، از روز سه‌شنبه کار خود را برای ساماندهی بازار ارز آغاز کند. وی با اشاره به ظرفیت و توان بانک مرکزی ابراز کرد: با هماهنگی و همراهی سران قوا، امیدواریم به‌زودی برنامه جامع و بسته پیشنهادی بویژه در حوزه مشوق‌های صادراتی داشته باشیم. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: در بخش تخصیص ارز برای بخشی از کالاهای اساسی، فعلاً همان مسیر اعلامی دولت، ادامه خواهد داشت و اولویت تخصیص ارز به کالاهای اساسی خواهد بود. پورایرانی تصریح کرد: همراه با الزامات بخش خصوصی برای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات، باید هماهنگی‌های لازم برای ایجاد بسته‌های مشوقی داشته باشیم، تسهیم

وزیر راه: قیمت‌ها در بازار اجاره مهار شده است

وزیر راه و شهرسازی گفت: بر اساس ثبت رقم‌های جدید اجاره، شاهد هستیم مصوبه ستاد ملی مبارزه با کرونا رعایت شده و قیمت‌ها در بازار اجاره تحت کنترل است. محمد اسلامی صبح سه‌شنبه در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی در خصوص وضعیت بازار اجاره مسکن، اظهار داشت: مصوبه ستاد ملی، بازار پراشتاب و حباب‌دار اجاره مسکن را آرام کرده است. قیمت‌ها تحت کنترل و قیمت‌های بیابانه چند برابر برای مالکان مهار شده است. وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: بر اساس گزارش روزانه‌ای که اتحادیه آژانس‌های املاک به وزارت راه و شهرسازی ارائه می‌دهد در همه قراردادهای اجاره از مصوبه ستاد ملی تبعیت شده است. اسلامی در خصوص طرح دولتی برای اخذ مالیات از خانه‌های خالی که دو روز پیش در صحن علنی مجلس به تصویب رسید، گفت: این طرح پیشنهاد خود دولت است تا مالیات بر خانه‌های خالی سختگیرانه‌تر اجرایی شود. وی گفت: اکنون سامانه املاک و اسکان بازگذاری و خانه‌های خالی شناسایی شده است و سازمان امور مالیاتی در حال صدور قبض‌های مالیات است. به گفته وزیر راه و شهرسازی، مصوبه دو روز پیش مجلس به کمک اجرای سختگیرانه‌تر این قانون می‌آید تا عرضه مسکن‌های خالی به بازار زودتر و با سرعت بیشتری انجام شود. ایرنا

یادداشت

سپیده‌پیری
خبرنگار

دلار به بیش از ۲۲ هزار تومان رسید، سکه بهار آزادی ۱۰ میلیون تومان‌ شد، شاخص بورس به ۲ میلیون واحد نزدیک شده است. ارزش بازار سرمایه به بیش از ۶ هزار و ۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسید، رقمی ۳ برابر تولید ناخالص داخلی و ۳ برابر نقدینگی موجود. اینها ارقامی است که ما را به سرگیجه اقتصادی دچار می‌کند و فراتر از عدد و رقم می‌توان گفت تصویری از واقعیت‌های امروز اقتصاد ایران است. اتمسفر اقتصادی که پیش‌تر کارشناسان و متخصصان نسبت به روند آن هشدار داده بودند. ابراز نگرانی از یک وضعیت غیرعادی حاکم که نیازمند رویکرد‌ها و راهبردهای متفاوت است. متفاوت تر از مسیری که تا به امروز متصور شده ایم. امیر مسیر تازه و پیموه نشده را در گشت و گوب با «علی دادبی» به تصویر کشیدیم. اقتصاددان و مدرس دانشگاه در آمریکا که با نگاهی فراقح تر به وطن نگریده و مسائل راتیین می‌کند.

■ به عنوان یک اقتصاددان ایرانی ساکن در خارج از کشور، چه تصویری از وضعیت فعلی اقتصاد ایران دارید؟

تعبیر من این است ، اقتصادی که فرصت های زیادی دارد ولی در آن امنیت فعالیت اقتصادی دچار دستخوش است. روی واژه امنیت خیلی تأکید می‌کنم چون حجم جرایم اقتصادی در حال افزایش است و هر جرم اقتصادی چندین قربانی دارد از کارفرما تا سرمایه گذار و کارآفرین و کارگر. اقتصاد ایران تصوری مناسبی از خودش به جهان ارائه نداده. ■ به امنیت اقتصادی به عنوان یک شاخص مهم اشاره کردید، تحقق آن مستلزم چه شرایطی است؟

اقتصاد ما در حال حاضر دچار یک بحران ساختاری است، بحرانی که در انباشته شدن هزینه های ناشی از عدم اصلاحات ساختاری ریشه دارد. بحران ساختاری در حال حاضر باعث می شود امید به آینده در اقتصاد کشور کم و توانایی مان در جذب سرمایه ها و سرمایه گذاری های جدید به شدت کم شود. ذهنیت حاکم بر اقتصاد ایران نادرست است. چون درآمدهای نفتی داریم، قانونگذار، مجری قانون و قاضی قانون هیچ کم احساس نیاز نکردند که لازم است یک فضای مشوق فعالیت اقتصادی ایجاد کنند. از طرف دیگر ذهنیت حاکم بر دستگاهها بسیار نظارتی است، به عنوان مثال چند هفته پیش از برخی افراد درباره درآمد بالای فعالان در اینستاگرام شنیدم و اینکه کسی بر نوع عملکرد اینها نظارت ندارد که چگونه درآمد کسب می کنند، در حالی که آنها از مدل جا افتاده استفاده می کنند و نه رانت خوراند و نه کلاهبردار. مساله دوم اینکه خیلی اوقات در کشور ما بحث نظارت به اشتباه فهمیده می شود، مثلاً یک موقعی در دهه شصت ورود اتوبوس ها به بزرگراه تهران کسج ممنوع بود، بخصوص اگر مسافر ایستاده داشتند. از طرفی به دلیل زیادی مسافر و کمبود اتوبوس همیشه مسافر ایستاده وجود داشت. برای همین راننده ها برای فرار از پلیس از یک مسیر دیگر حرکت می کردند و پلیس بیشتر مشغول مبارزه با این پدیده بود تا نظارت بر سرعت یا رانندگی درست در بزرگراه، همان راننده وقتی به بزرگراه می رسید هم سرعت می رفت هم بین دو خط رانندگی نمی کرد. در کشور ما نظارت را بر این نمی بینند که یک محیط امن برای فعالیت اقتصادی باشد. نظارت را به این می بینند

واکاوی وضعیت امروز اقتصاد ایران در گفت و گوبا «علی دادبی» مدرس دانشگاه در آمریکا

اقتصاددان ها باید کمک کنند

که باید جلوی ورودی های بزرگراه اقتصاد بایستند و اجازه ورود و خروج به این بزرگراه را صادر کنند. به این شکل نیست که افرادی که می خواهند فعالیت اقتصادی انجام دهند اجازه فعالیت اقتصادی به این شکل نیست که افرادی که را رعایت کنند، بلکه به این شکل است که دولت و دستگاه های حکومتی اعتقاد دارند که ما باید تمام این گلوگاه ها و ورودی های اقتصاد را کنترل کنیم . ما باید اجازه دهیم که چه کسی وارد این بزرگراه می شود. وقتی کسی از سد دستگاه ها می گذرد دیگر خود را مقید به چارچوبی نمی داند. نکته دیگر بحث نهادها و چارچوب های قانونی است. در کشور ما برای فعالیت اقتصادی امنیتی وجود ندارد. ما امنیت سرمایه، امنیت فعال اقتصادی و امنیت فعالیت اقتصادی نداریم. کلاهبرداری و دزدی در سرمایه زیاد رخ می دهد. اکنون خیلی از فعالان اقتصادی ایران در خارج از کشور فعالیت دارند چون در داخل امنیت ندارند. نکته مهم دیگر بحث فساد است. انگار بسیاری از دولت مردان وجود فساد در جهان را با پذیرفته بودن فساد اشتباه گرفتند. فساد اقتصادی و سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد اما به این معنا نیست که این ها پذیرفته شده است. در همه جا دستگاه ها در حال مبارزه با فساد هستند، اما وجود فساد باعث یک انفعال خاص در کشور ما شده است به گونه ای که افرادی که می خواهند سالم فعالیت کنند و بازنشگر فعالیت اقتصاد ایران باید مردم در حال منتبه شدن هستند و همه در حال تنبیه آنها هستند. رانت خوران و افراد شرور اقتصادی هم با علم به این انفعال مدام در حال دلسرد کردن فعالان اقتصادی و زیان رساندن به آنها هستند. خیلی راحت می گویند خب فساد در همه جا وجود دارد و هیچ برنامه ای برای مقابله با آن ندارند. اتفاقی که در سال های اخیر افتاد و بسیار خطرناک است. شروع این اتفاق در دولت فعلی نبود اما متأسفانه این یک هزینه خیلی سنگینی را به اقتصاد تحمیل کرد.

■ از میان مسائلی که مطرح کردید مهم ترین چالش های جدی اقتصاد ایران را چه می بینید؟ مهم ترین چالش اقتصاد ایران تلاش برای اثبات صاف بودن کرب زمین است، در حالی که زمین گرد است!. واقعیت های اقتصادی ایران با پذیرفته نمی شوند یا با تفسیرهاها متفاوت و کاملاً متضاد با منطق و اقتصاد توصیف و تشریح می شوند. نمونه آن بحث افزایش شدید قیمت دلار است. دو سال پیش بحث سقوط ارزش ریال را داشتیم و آن موقع راه حل این بود که دلار تک نرخ شود و یک بازار واحد شکل بگیرد و صادر کننده و وارد کننده از شان را در آن بازار عرضه کنند اما دولت مداخله بسیار بزرگی در بازار کرد و ارزی را در اختیار افراد قرار داد که بین یک سوم تا یک چهارم قیمت بازار قیمت گذاری شده بود و یک فاز قیمت رانت خوری وحشتناک برای افرادی ایجاد کرد که مایل بودند آن رانت را دریافت کنند و در عین حال همه از صادراتی را از کشور فراری داد که هیچ آدم عقلی دلارش را در بازاری عرضه نمی کند که قیمت بسیار پایین تری از قیمت واقعی اش دارد. از طرف دیگر همزمان با این ماجرا مواضع تجاری که در واردات کالاهای مختلف داریم قابل تأمل است. برای مثال در بحث خودرو، شما اگر ۱۰ هزار دلار داشته باشید و بخواهید با آن یک خودرو وارد کنید به ازای هر دلار ممکن است ۴۰ هزار تومان عایدتان شود ولی

اگر با آن پول گوشت وارد کنید ممکن است بسیار کمتر نصیبتان شود و این خود مشوق رفتارهای مختلف وارداتی می شود. هیچ کس در دستگاه های دولتی نمی تواند این مشکل را قبول کند. این رفتارها به منافع کشور لطمه می زند. برخی سیاستگذاران و فعالان اقتصادی ما چون بر مبنای رانت فعالیت می کنند و توزیع و بازسازی رانت اساس کارشان است نه تقاضایی دارند که تحلیل علمی را مورد استفاده قرار دهند و می گویند این حرف به درد ایران نمی خورد.

■ با توجه به نکاتی که اشاره کردید چه نسبتی میان اقتصاد و سیاست در جامعه ایران وجود دارد؟ آیا اقتصاد ایران یک اقتصاد سیاسی است؟

من معتقدم هر دو در خدمت منافع گروه های خاصی هستند. اقتصاد و سیاست معمولاً یک رابطه دو جانبه دارند. اقتصاد باعث قدرت سیاست مدار و سیاست منافع ملی می شود و آنجا شاهدیم در واقع یک

اقلیت خاص در حال مدیریت بحث های سیاسی و اقتصادی به جهتی هستند که منافع خودشان به حداکثر ممکن تأمین شود. از طرف دیگر ما در یک جامعه ایدئولوژیک زندگی می کنیم. این رفتارها به منافع کشور لطمه می زند. برخی سیاستگذاران و فعالان اقتصادی ما چون بر مبنای رانت فعالیت می کنند و توزیع و بازسازی رانت اساس کارشان است نه تقاضایی دارند که تحلیل علمی را مورد استفاده قرار دهند و می گویند این حرف به درد ایران نمی خورد.

■ با توجه به چالش هایی که بر شمردید به نظر می رسد اوضاع و وضعیت چالش ها رو به بهبود نیست. آیا راهکار برون رفتی وجود دارد؟

ما در حال گذراندن دوره سخت تحریم ها هستیم، تحریم های ایران توسط یک کشور ایجاد شده که سهم بزرگی در اقتصاد جهان دارد در حالی که همزمان ایران می توانست با پیوستن به FATF و سایر قراردادهای بانکی و مالی حداقل از طرف خودش کانال های

انتقال پول در کشور را باز بگذارد. درست است تحریم شده است اما می توانست خود تحریمی نکند و ما شاهد هستیم که آن پیمان ها تصویب نشد. نتیجه عدم تصویب آن پیمان ها این است که اکنون ما تقریباً از هیچ یک از کشورهایی که مطالبات ارزی از آنها داریم نمی توانیم پولمان را دریافت کنیم چون کانالی برای دریافت پول هایمان نداریم و ناچاریم مبادلات پایا پای را به وجود بیاوریم. برق صادر می کنیم و کالا وارد می کنیم، به چین نفت صادر می کنیم و کالا وارد می کنیم. این نشان دهنده این است که خیلی ها در حال انکار راه حل ها هستند و راه هایی را انتخاب می کنند که به آسیب پذیری اقتصاد داخلی و اقتصاد بومی ایران اضافه می کند. باید یادآوری کنم که رانت

نفت اعتیاد ما است و تا زمانی که این رانت وجود دارد کسی نه می خواهد به راه حل گوش کند و نه لازم است که به راه حل گوش کند. ما تا اواسط دهه ۴۰ خورشیدی یک کشور فقیر با منابع طبیعی و محصولات کشاورزی بودیم. با وجود اینکه نفت ملی

بیفتد هزینه بسیار کمی بود؛ چیزی که در بورس ممکن است اتفاق بیفتد اینکه میلیاردها تومان پس اندازها و دارایی ها از بین برود و آن وقت سپهرمداران، سپرده گذار نیستند که سرمایه خود را طلب کنند بلکه آنها سرمایه گذار هستند. در بیشتر کشورهای توسعه یافته سپرده و حساب پس انداز شما بیمه است تا یک سطح معینی. می توانید اطمینان داشته باشید که پولتان همیشه اینجا است، ولی سهامداری سپرده گذاری نیست. وقتی از شرکت وابسته به همان بانک سهام می خرید هشدار دریافت می کنید که شما دیگر سپرده گذار نیستید بلکه سرمایه گذارید و ارزش پول شما وابسته به تحولات بازار خواهد بود و براساس بازار بورس پول شما را پس خواهیم داد. در سرمایه گذاری ریسک وجود دارد و خریدار سهام همه آن ریسک را می پذیرد و زیان ناشی از آن را متحمل خواهد شد.

■ برای اینکه از چنین پیامدهایی پیشگیری کنیم، راه حلی پیش پای دولت وجود دارد؟ سؤال شما را غلط می دانم چون فکر می کنم فقط دولت نیست که برای اقتصاد تصمیم می گیرد بلکه فعال اقتصادی نیز در این شرایط تصمیم می گیرد. کسانی که وارد بازار بورس می شوند مسئول اقدام خود هستند. وظیفه دولت جبران اشتباه های ما نیست و این به هیچ وجه درست نیست که دولت را مسئول رویدادهای بازار بورس و ملزم به جبران زیان سهامداران بدانیم. ■ اما اقبال به بورس در گرو تبلیغات و ایجاد هیجان در بازار است.

طبیعی است چون خیلی ها می خواهند یک محل رشد و شکوفایی اقتصادی وجود داشته باشد و در حال حاضر بورس چنین محلی است و مردم نباید این اشتباه را بکنند که دولت دارد به آنها ضمانتی می دهد. از طرف دیگر بورس همیشه در سال های اخیر وجود داشته است و مشارکت در آن رو به افزایش بوده است ولی گلوگاه های ورود به آن محدود مانده اند. راجع به این موضوع یک نکته مثبت وجود دارد و من امیدوارم که کمک کند که درصد بیشتری از مردم ایران دنبال یاد گرفتن و آموزش علم اقتصاد و تحلیل رفتار بنگاه ها بروند و سعی کنند دانش خود را افزایش دهند.

شده بود درآمدهای ما از نفت کم بود چون قیمت جهانی نفت پایین بود. دوره ثروت ایران یک دوره ۵۰ ساله است که با کاهش بهای نفت و افزایش منابع انرژی جایگزین دارد به پایان می رسد. دیگر ضرورت دارد با دیدگاه های جدیدی به اقتصاد نگاه و فکر کنیم شمشیر نفت را داریم.

■ برخی از مسئولان معتقدند که در سال های اخیر بودجه را بدون نفت می بندند و اقتصاد کشور را بدون نفت این امر محقق نشده یا همچنان از رانت نفت بهره مندیم؟

وقتی می توانیم بگویم اقتصاد بدون نفت است که از نفت مالیات بگیرد و تولید و مبادلات اقتصادی بحث اصلی ایران شود. دولت و بخش حکومتی و خصوصی اقتصاد هنوز بزرگ ترین بخش های اقتصاد ایران هستند. نتیجه رانت نفت تعریف انحصارات بوده است. در واقع این بحث مافیای نیست بلکه بحث انحصارات است. انحصارات وجود دارد که دولت ها و دستگاه ها از آنها امتیازات و درآمدهای خاص دارند برای همین سرکوب فعالیت های اقتصادی وجود دارد. به همین دلیل هم ذهنیت ناظر ذهنیت مشوق نیست. بحث نظارت نیز در منافع حاصل از این انحصارات ریشه دارد. اینکه دولت می گوید شرکت را دارد بدون نفت اداره می کند مستند به واقعیت های اقتصادی نیست.

■ فرضیه ای وجود دارد که گفته می شود اقتصاددان ها تنها برای شرایط عادی نسخه می دهند، نظر شما چیست؟

یعنی افراد وقتی که سالم هستند پیش پزشک می روند؟! خیلی از اقتصاددان های بزرگ همچون مونه و کینز در مواقع بحران به کمک جوامع شان آمدند. در بحران اخیر معمار اصلی سیاست پولی آمریکا آقای برنانکه بود که یک استاد مسلم اقتصاد است. این افراد توانستند راه حل های خوبی را تنظیم و ارائه کنند و حکومت ها هم حرف آنها را پذیرفتند و بر مبنای آن راه حل ها سیاست های کاربردی طراحی کردند. در کشور ما کسی نمی خواهد به حرف اقتصاددان ها گوش کند.

■ با این تفسیر راهکارهای علم اقتصاد نوین می تواند برای وضعیت فعلی جامعه ایران کارکرد داشته باشد؟

بله می تواند ولی راهکارها نتیجه همکار همه گروه ها هستند. علم اقتصاد می تواند کارآمدی راه حل ها را مشخص کند چون علم اقتصاد مطالعه رفتارها و تخصیص بهینه منابع و کارکرد بازارها را و موانع رقابت را شناسایی می کند. راه حل وابسته به سیاست گذاری می شود و اولویت هایی که در فرآیندهای سیاست گذاری تعریف می شود. قطعاً علم اقتصاد می تواند به دانش و اطلاعات افراد تصمیم گیرنده اضافه کند تا آنها با ذهن باز هزینه های گزینه های پیش رو را بپذیرند ولی راه حلی که ارائه می کند در نهایت نیازمند توافق گروه های مختلف جامعه است. ولی این توافق هنوز وجود ندارد.

■ حال که از چالش ها گفتیم آیا اقتصاد ایران فرصت هایی هم دارد که به رفع چالش ها کمک کند؟

به نظر من همیشه فرصت ها وجود دارند ولی اکنون صحبت راجع به آنها سودی ندارد.

■ یعنی فرصت ها ناچیز و محدود شده اند یا اینکه امکان بهره برداری از آنها وجود ندارد؟

نه امکان بهره برداری از آنها وجود ندارد و نه ذهنیت ها ذهنیت رشد و توسعه اقتصادی است. صحبت از فرصت ها بیشتر توجیه کننده انفعال بوده است تا مشوق عملگرایی.